

نگاه

سناتوری که خود را به ترامپ باخت

علیرضا سرفرازی؛ درگذشت ناگهانی سناتور لیندسی گراهام، پایان رسمی یک دوران را در سیاست آمریکا رقم زد. دیگر سناتوری از دوران قدیمی سناتورهایی که خود را وقف سیاست خارجی کرده باشند، به این راحتی پیدا نخواهد شد. گراهام از یک انترناسیونالیست سنتی به سبک ریگان، به یکی مثل بقیه در جنبش پوپولیستی MAGA تغییر ماهیت داد. همین تغییر هم مانع از آن نشد که به بخش مهمی از آرمان‌ها و اهدافش در سیاست خارجی بایبند نباشد و در بازگشت از دهمین سفر به اوکراین و در راه تلاش برای عبور از همدلی ترامپ و پوتین و تصویب تحریم‌های تازه علیه روسیه، درگذشت.

یک «جمهوری‌خواه سنتی»

برای درک اینکه لیندسی گراهام در گذشته چه کسی بود، باید اجماع محافظه‌کاران در دوران پس از جنگ سرد را درک کرد. گراهام در کنار دوقلوی سیاسی و نزدیک‌ترین دوستش، سناتور جان مک‌کین، مظهر و اوج نهادگرایی ریگانی بود. «جمهوری‌خواه سنتی» بودن به سبک گراهام، به معنای پایبندی به سه ستون بنیادین بود: ●مداخله‌گرایی مقتدرانه (سیاست خارجی شاهین‌وار): باور به اینکه هژمونی جهانی آمریکا یک ضرورت اخلاقی است. این طیف از محافظه‌کاری، قدرت نظامی آمریکا را نه یک بار اضافه، بلکه سیر اصلی حفاظت از جهان آزاد می‌دانست. این نگرش به معنای ایستادگی قاطع در حمایت از ائتلاف‌هایی مانند ناتو و مقابله سرسختانه با دشمنان خارجی نظیر ایران و روسیه بود.● احترام به نهادهای حاکمیتی: احترام عمیق به چارچوب‌ها و خط‌قرمزهای سنتی حاکمیت آمریکا؛ از جمله هنجارهای سنا، استقلال قوه قضائیه و جامعه اطلاعاتی● عمل‌گرایی در قانون‌گذاری: در عین حفظ اصول محافظه‌کاری، گارد قدیمی به کارآمدی حاکمیت باور داشت. گراهام به طور منظم برای کار روی اصلاحات جامع قوانین مهاجرت (موسوم به «گروه هشت») و قوانین زیست‌محیطی با دموکرات‌ها همکاری می‌کرد؛ چراکه معتقد بود نهاد سنا برای سازش و توافق شکل گرفته است.

محو کامل محافظه‌کاری سنتی در دوران ترامپ

با ظهور موج پوپولیستی در سال ۲۰۱۶، چارچوب محافظه‌کاری سنتی نه‌تنها رقابت انتخاباتی را باخت، بلکه به طور کامل محو شد. در حزب جمهوری‌خواه امروز که تحت سیطره ترامپ قرار دارد، اصولی که گراهام بخش آغازین کارنامه کاری خود را بر پایه آنها ساخته بود، کاملاً بی‌معناست. جهان‌بینی سنتی ریگانی به صورت سیستماتیک توسط جنبش MAGA برچیده شد.● انزواطلبی در برابر مداخله‌گرایی برای فضا دادن به دیدگرایی با افراتیان در جهان: دکترین «اول آمریکا» (America First)، ترویج دموکراسی در جهان را با یک سیاست خارجی معامله‌گرانه جایگزین کرد. بدنه پوپولیستی حزب، مداخله نظامی مقتدرانه را تحت عنوان طرح‌های بی‌ملاحظه «شاهین‌های جنگ طلب جهانی‌ساز» برچسب زد. این طیف حاکم‌شده بر تعاملات جمهوری‌خواهانه، بیش از هر چیز با راست افراطی بین‌المللی و مهمتر از آن، با سیاست‌های روسیه و پوتین همدلاند.● مرگ نهادگرایی: جای احترام به نهادهای فدرال، دادستانی‌فدرال و معاهدات بین‌المللی را بدبینی عمیق به «دولت پنهان» (Deep State) گرفت. همین اراده به تضعیف نهادها و ضدیدت با میراث دموکراتیک آمریکا، مرگ جمهوری‌خواهی همیشگی را رقم زد.● وفاداری فراتر از آرمان و میثاق آن هم وفاداری به ترامپ: در حزب جمهوری‌خواه مدرن، ایدئولوژی در مرتبه دوم پس از وفاداری قرار گرفت. پایبندی به کتاب‌های مرجع محافظه‌کاری دربارۀ تجارت آزاد یا انضباط مالی، بسیار کم‌اهمیت‌تر از نشان‌دادن فداکاری مطلق به رهبر این جنبش شد. برای گارد قدیمی، انتخاب دوگانه و صفر و یکی بود؛ یا خود را وفق بده یا با انقضاض ثوری سیاسی روبه‌رو شو. در این میان طبیعی است که سیاست دوقطبی آبی و قرمز و جمهوری‌خواه و دموکرات، مبنای اولیه تعامل بود و برای شکست هیلاری، همه شیاهای ترامپ را نادیده گرفتند و بعد… گرفتار ترامپ شدند. برای بقا، گروهی از مهم‌ترین جمهوری‌خواهان تن به ترامپ دادند و بعد از شورش انتخاباتی ژانویه ترامپ علیه آمریکا و دولت هم با او ماندند.

چرخش ۱۸۰درجه‌ای به عنوان استراتژی بقا

هیچ سیاست‌مداری به اندازه گراهام این گزینه بقا را به این شکل دراماتیک به تصویر نکشید. چرخش او یکی از خیره‌کننده‌ترین پشتک و وارواهی سیاست دو دهه اخیر است. سال ۲۰۱۵، گراهام یکی از جدی‌ترین منتقدان ترامپ بود و به‌صراحت هشدار داد نامزدی او، حزب جمهوری‌خواه را نابود خواهد کرد و حزب «سزاور آن خواهد بود». با این حال، ظرف چند ماه پس از ورود ترامپ به کاخ سفید، گراهام دنده را کاملاً عوض کرد. او به هم‌پای همیشگی ترامپ در گلسف، یار کمکی قابل اعتماد او در رسانه‌ها و در کنگره تبدیل شد. دفاع انفجاری و غیورانه او از برت کاوانا، نامزد دیوان عالی در سال ۲۰۱۸، تحول او را از یک کارگزار نهادهی به یک جنگجوی پوپولیست تثبیت کرد. گراهام هرگز این‌تغییر رفتار را کتمان نکرد، بلکه با عمل‌گرایی عریان و سرد از آن دفاع کرد و علناً گفت هدفش «تاثیرگذاربودن» است. او می‌دانست در ایالتی مانند کارولینای جنوبی، سربیزیی از ترامپ به معنای مسیر سریع به سوی شکست در انتخابات مقدماتی است. برای حفظ قبضه خود بر قدرت و نگه‌داشتن صندلی‌اش در میز تصمیم‌گیری‌های امنیت ملی، او داوطلبانه همسویی قدیمی خود را قربانی کرد تا به عالی‌ترین فرد محرمی تبدیل شود که در گوش رئیس جمهور پیچ‌پیچ می‌کند.

شایعات کامبرومات (اسناد رسواکننده) و واقعیت قدرت

از آنجا که چرخش گراهام بسیار مطلق و از نظر بصری ناگهانی بود، به سال‌ها گمانه‌زنی شدید در واشینگتن دامن زد. به عنوان یک مجرد مادام‌العمر، زندگی شخصی گراهام همواره موضوع شایعات پنهانی در محافل سیاسی بود. هنگامی که او از سرسخت‌ترین منتقد ترامپ به وفادارترین مدافع او تبدیل شد، آن شایعات به فضای عمومی فوران کرد و یک تئوری توطئه سیاسی غالب را تغذیه کرد: کامبرومات (Kompromat). منتقدان، مفسران پیشرو و نظریه‌پردازان آنلاین به کرات ادعا می‌کردن گراهام مورد اخاذی و باج‌خواهی قرار گرفته است؛ به این معنا که ترامپ با بازیگران تاریک اطلاعاتی به اطلاعات مخربی درباره هویت جنسی او دست یافته‌اند و از آن برای مطیع نگه‌داشتن او استفاده می‌کنند. گراهام صراحتاً این شایعات را تکذیب کرد و در مصاحبه‌ها مستقیماً به آنها پرداخت و به‌وضوح اعلام کرد همجنس‌گرا نیست و این شایعات صرفاً بخشی از زیست‌بوم سمی واشینگتن هستند.

دست آخر… بی‌ثباتی‌ر

گراهام فعال‌ترین جمهوری‌خواه در عرصه سیاست خارجی بود. با این حال، او در بای‌تاثیربودن به نسبت فعالیت، بی‌رقیب بود. نه توانست در نهایت برای اوکراین کاری مهم صورت دهد و نه توانست سرانجام حتی تحریمی جدی علیه روسیه بگیرد و تحریم‌های فعلی که از ابتدای دوران ترامپ عملاً اجرا نمی‌شوند نیز در دورانی شکل گرفتند که دموکرات‌ها کنترل سنا را در دست داشتند. گراهام روزگاری در سال دوم ریاست ترامپ و پس از قتل فرجیع خاشقچی، خواهان خلع بن‌سلمان از ولایتعهدی شده بود و به‌سریعت پس جایش نشاندۀ شد و ترامپ به او فهماند که داستان از چه قرار است. و در نهایت، این سناتور صدرایرانی و مخالف سرسخت نظام ایران، ماه‌ها برای حمله به ایران تبلیغ و تشویق کرد. مزایای حمله به تأسیسات نفتی ما را برشمرد و حتی مردم ایالت خودش را به فرستاندن سربازان جوان به نبرد زمینی در ایران تشویق کرد و در نهایت، وقتی روزهای امضای تفاهنامه آتش‌بس رسید، با سرخوردگی اعلام همراهی کرد. جی‌دی ونس، یک جوانک که فقط دو سال سناتور بود و حالا معاون ترامپ است، بیشتر در سیاست خارجی تاثیرگذار شد تا سناتوری که عمرش را در کنار دو دوست دیگرش، سناتور مک‌کین و سناتور لیرمیر، پای سیاست خارجی مقتدرانه آمریکایی گذاشته بود.

معمار سیاست‌های تهاجمی واشینگتن ناگهان در ۷۱ سالگی درگذشت

میراث متناقض گراهام



چالش دیوان عالی و خاورمیانه

کارنامه لیندسی گراهام در سنای ایالات متحده در نگاه منتقدانش، همواره با چرخش‌های بنیادین در مواضع سیاسی گره خورده است. مخالفان او در جبهه دموکرات‌ها و جریان‌های لیبرال، تغییر رویکرد ۱۸۰ درجه‌ای او در قبال دونالد ترامپ را بارزترین نمونه از مصلحت‌اندیشی‌های شخصی و حزبی می‌دانند. گراهام که در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ یکی از تندترین منتقدان ترامپ به شمار می‌رفت و او را خطری برای ساختار حزب جمهوری‌خواه می‌خواند، تنها چند ماه پس از ورود ترامپ به کاخ سفید، به یکی از نزدیک‌ترین متحدان و همراهان او تبدیل شد. منتقدان این هم‌گرایی سریع را نه یک تغییر مسیر استراتژیک، بلکه تلاشی آشکار برای حفظ نفوذ در راهروهای قدرت واشینگتن ارزیابی می‌کنند.

نقطهٔ اوج این انتقادها در جریان تأیید صلاحیت فضات دیوان عالی رقم خورد. گراهام در سال ۲۰۱۶ با استناد به در پیش بودن انتخابات ریاست‌جمهوری، از بررسی نامزد معرفی‌شده توسط دولت دموکرات خودداری کرد و وعده داد که این رویه به عنوان یک استاندارد ثابت حفظ خواهد شد. اما در سال ۲۰۲۰ و در جایگاه رئیس کمیتهٔ قضائی سنا، او این استاندارد خودساخته را نادیده گرفت و روند تأیید قاضی ایمی کانی برت را در آستانه انتخابات با سرعت پیش برد.

جریان‌های رقیب این اقدام را نقض صریح وعده‌های پیشین و بازی با قواعد سنا برای تثبیت اکثریت محافظه‌کاران در دیوان عالی خواندند. در عرصه سیاست خارجی نیز رویکردهای تهاجمی او همواره سیل انتقاد گروه‌های ضد جنگ و شاخه انزواطلب حزب جمهوری‌خواه بود. پافشاری گراهام بر مداخله نظامی، تسلیح متحدان و تخصیص بودجه‌های کلان برای حضور نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، از نگاه منتقدانش چیزی جز تحمیل هزینه‌های سنگین اقتصادی به مالیات‌دهندگان و تداوم جنگ‌های بی‌پایان نبود. در جبهه داخلی نیز مشارکت او

و در پی حمله به ساختمان کنگره ایالات متحده دچار تنش شد؛ جایی که گراهام با انتقاد از حامیان ترامپ که به ساختمان کنگره حمله کردند، گفت دیگر کافی است. اما او در ادامه، اتحاد استراتژیک خود را با رئیس‌جمهور تجدید کرد و در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، به عنوان یکی از نزدیک‌ترین مشاوران او باقی ماند. نفوذ گراهام در حوزه سیاست خارجی به‌ویژه در مشاوره به ترامپ، پیرامون مسائل حیاتی مرتبط با ایران و روسیه، بی‌بدیل بود. او تنها یک روز پیش از مرگش، از دستیابی به توافق با دولت برای پیشبرد بسته تحریمی هدفمند علیه روسیه خبر داده بود. تلاش‌های او برای مهار توسعه‌طلبی مسکو نشان از نگرانی او نسبت به تهدیدهای بلوک شرق برای امنیت و ثبات جهان آزاد داشت. گراهام در روزهای گذشته به اوکراین سفر کرده بود. اوکراین از زمان تهاجم همه‌جانبه روسیه به اوکراین، تاکنون ۱۰ بار میزان این سناتور آمریکایی بوده است.

اصرا بر بمباران ایران

رویکرد تهاجمی لیندسی گراهام در قبال ایران و پافشاری مداوم او بر استفاده از گزینه نظامی، جنجال زیادی در یک سال اخیر ایجاد کرد. دکترین این سناتور کهنه‌کار همواره بر طبل درگیری مستقیم می‌کوبید؛ راهبردی که اجرای آن به معنای تحمیل هزینه‌های نجومی بر دوش اقتصاد آمریکا و گشودن جبهه یک جنگ فرسایشی جدید و بی‌توجهی به تلفات جنگ بود. اشتیاق گراهام بر بمباران گسترده برای مدیریت پیامدهای پس از بحران بود. تکیه صرف بر سخت‌افزار نظامی بدون درنظرگرفتن هزینه فرصت و تبعات طولانی‌مدت برای مالیات‌دهندگان آمریکایی، استراتژی کلان واشینگتن را در معرض خطاهای محاسباتی خطرناکی قرار می‌داد که نتیجه آن، تکرار تجربه فرسایشی جنگ‌های پیشین خاورمیانه بود. حمایت گراهام از تداوم جنگ در خاورمیانه به اندازه‌ای بود که برقراری آتش‌بس موقت میان ایران و آمریکا، خشم این سناتور و انتقاد او علیه ترامپ را برانگیخت.

یادداشت

ناتو و دوگرایش امنیت جهانی



محموداشرفی

سازمان آتلانتیک شمالی، موسوم به ناتو، با دو گرایش استراتژیک روبه‌رو است؛ ژئوپلیتیک فرآتلانتیک و ژئوپلیتیک فرآپاسیفیک، چالش بزرگ ناتو است. ماجراهای ژئوپلیتیک فرآتلانتیک دربرگیرنده سرزمین‌های دو سوی اقیانوس اطلس، از خاکستر جنگ دوم برخاست و با شکل‌گیری پیمان ورشو و تهدیدات شوروی بلوک شرق در دوران جنگ سرد شدت گرفت.

با فروپاشی اتحاد شوروی، ژئوپلیتیک فرآتلانتیک اهمیت گذشته خود را ندارد؛ در این میان، تنها توسعه‌طلبی ارضی روسیه و جنگ اوکراین و تهدید کشورهای کوچک حوزه بالتیک از سوی روسیه، نقش ناتو و موضوعات ژئواستراتژیک را در شرق اقیانوس اطلس پررنگ‌تر کرد. ژئوپلیتیک فرآپاسیفیک خطرات پنهانی داشته است که می‌توانند امنیت جهانی را تهدید کند. اما در سازمان ناتو، استراتژی یکسانی در قبال ژئوپلیتیک فرآپاسیفیک وجود ندارد؛ به‌طوری‌که آمریکا و کشورهای اروپایی درباره ژئوپلیتیک فرآپاسیفیک گرایش یکسانی ندارند. حوزه پاسیفیک محدوده‌ای ناهمگن با کانون‌های فعال نظامی چین و کره شمالی است. اروپا توجه کمتری به مخاطرات حوزه پاسیفیک دارد. اروپایی‌ها روسیه و جنگ اوکراین را خطری نزدیک می‌پندارند. تلاش آنها در راستای حمایت از کشورهای کوچک حوزه بالتیک و حفاظت از مرزهای اروپاست. این در حالی است که با نادیده‌گرفتن تهدیدات در حوزه پاسیفیک، امنیت جهانی با دشواری بزرگی روبه‌رو خواهد شد. ژئوپلیتیک فرآپاسیفیک برای آمریکا حساسیت بیشتری دارد؛ زیرا مرزهای غربی این کشور در برابر تهدیدات روزافزون چین قرار دارد. اما این خطرات و تهدیدات در آینده محدود به حوزه اقیانوس آرام نخواهد بود.

فرجام ناتو را یک دهه پیش بیان کردم و در اسفند سال ۱۳۹۵ در میان نابوری‌ها در شهردن نوشتم: «فرجام استراتژیک ناتو، کم‌رنگ‌شدن نقش و موج‌تدریجی این سازمان است. زمینه شکل‌گیری ناتو دیگر وجود ندارد. با فروپاشی شوروی، پیمان ورشو فرو ریخت و بنیان ناتو بر هم خورد. اما آیا نبود ناتو به ایجاد یک خلا ژئوپلیتیک در جهان منجر خواهد شد؟». در کنار آن پیش‌بینی، امروز بر این باورم که با تضعیف روسیه، دیگر این کشور تهدیدی جدی برای اروپا نخواهد بود و این‌ا از اتکای اروپا به ناتو خواهد کاست؛ یک دگرگونی ژرف درباره ناتو و روابط فرآتلانتیکی. استراتژیست‌های اروپایی باید به این باور برسند؛ ژئوپلیتیک فرآپاسیفیک یک استراتژی با پراکندگی ژئوپلیتیک، ناهمگون و بااهمیت است.

در گروه ۸ برای تدوین لایحه مهاجرتی سال ۲۰۱۳ که مسیری برای شهروندی مهاجران فاقد مدارک قانونی فراهم می‌کرد، خشم پایگاه سنتی محافظه‌کاران را برانگیخت و او را در مظان اتهام عبور از اصول بنیادین حزب قرار داد. پرکاربردترین لقب لیندسی گراهام، «شاهین سیاست خارجی» بود. در ادبیات سیاسی آمریکا «شاهین» یا «باز» کاربردی کاملاً یکسان دارند و به یک طیف مشخص از سیاست‌مداران و استراتژیست‌ها اشاره می‌کنند. این اصطلاح برای توصیف چهره‌هایی به کار می‌رود که به جای دیپلماسی منفعلانه، به استفاده از قدرت سخت، بازدارندگی نظامی و رویکردهای تهاجمی در سیاست خارجی تأکید دارند. کیوترا هم رویکردی کاملاً متضاد با آنها دارند.

چالش‌های اقتصادی

گراهام در زمان مرگ، ریاست کمیته بودجه سنا را بر عهده داشت که این جایگاه، نقشی مرکزی در پیشبرد قوانین کلان جمهوری‌خواهان در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ از طریق فرایند تطبیق بودجه به او می‌بخشید. او پیش از این نیز در جایگاه ریاست کمیته قضائی سنا، روند تأیید قاضی ایمی کانی برت برای دیوان عالی در سال ۲۰۲۰ را نظارت و هدایت کرده بود. این اقدام ترکیب دیوان عالی را به نفع ارزش‌های محافظه‌کارانه تثبیت کرد و حامیانش از آن به‌عنوان «میراث گراهام در دفاع از قانون اساسی و اصول بنیادین آمریکا» یاد می‌کنند. او همچنین در سال ۲۰۱۳ به عنوان عضو گروه هشت در کنگره آمریکا، نقشی پیشرو در مذاکرات دوحزبی مهاجرت در سنا ایفا کرد که به تولید یک لایحه جامع مهاجرتی و تصویب آن در سنا انجامید. هرچند مجلس نمایندگان آن را بررسی کردند. حمایت او از ایجاد مسیری برای شهروندی برخی مهاجران فاقد وضعیت قانونی، انتقاداتی را در میان برخی جمهوری‌خواهان برانگیخت و گاهی به چالش‌هایی در انتخابات مقدماتی ایالت زادگاهش منجر شد.

گراهام در ماه ژوئن نامزدی حزب جمهوری‌خواه را برای پنجمین دوره حضور در سنا به دست آورد و قرار بود در ماه نوامبر با آتی اندروز نامزد دموکرات‌ها رقابت کند. او ماه گذشته در سخنرانی پیروزی خود خطاب به ترامپ گفته بود که قصد دارد به او در تغییر این کشور و تغییر جهان کمک کند. مرگ گراهام در دورانی رخ داد که نظرات‌ها و حساسیت‌ها پیرامون شفافیت وضعیت سلامت قانون‌گذاران افزایش یافته است. در شرایط کنونی که جمهوری‌خواهان با ۵۳ کرسی در برابر ۴۷ کرسی اکثریت سنا را در اختیار دارند، بر اساس قوانین کارولینای جنوبی، هنری مک مستر فرماندار جمهوری‌خواه این ایالت یک جانشین موقت را تا ماه ژانویه منصوب خواهد کرد. گراهام هرگز ازدواج نکرد و فرزندی نداشت و نزدیک‌ترین خویشاوند بازمانده او خواهرش دارلین گراهام نوردون است که لیندسی پس از مرگ والدینشان در بزرگ‌ردن او نقش داشت.

میراث بین‌المللی گراهام بازتاب‌هایی در میان متحدان غربی و حامیان جمهوری‌خواهان داشت. گراهام در دوره تقریباً ۳۱ ساله حضور خود در کنگره آمریکا سابقه عضویت در کمیته‌های روابط بین‌الملل، کمیته آموزش و نیروی کار، کمیته قضائی و کمیته امنیت ملی را در کارنامه داشت.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان ازنا-سری (۳۸۲) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی ازنا مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم ویس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۵٫۰۴٫۲۲) نوبت دوم: (۱۴۰۵٫۰۵٫۰۶)

۱- تقاضای «محمد رضا فلاح» فرزند «براهیم» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۶۴۳٫۲۲» مترمربع تحت پلاک شماره «۲۷۵» فرعی از «۲۴» اصلی واقع در قریه دولت اباد بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد رضا فلاح»

۲- تقاضای «جابر فلاح» فرزند «محمد رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۹۷۲۲٫۶۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۲۷۶» فرعی از «۲۴» اصلی واقع در قریه دولت اباد بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد رضا فلاح»

۳- تقاضای «بوالقاسم قیطاسی» فرزند «احمد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۰۰۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۱۳» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در قریه دولبوکان بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «احمد قیطاسی»

۴- تقاضای «له داد قیطاسی» فرزند «احمد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۶۰۰۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۱۴» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در قریه دولبوکان بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «احمد قیطاسی»

۵- تقاضای «فرشته قیطاسی» فرزند «احمد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۰۰۰۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۱۵» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در قریه دولبوکان بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «احمد قیطاسی»

۶- تقاضای «منصور لک» فرزند «رسول» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۶۸۴۹٫۴۱» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۰۸» فرعی از «۵۲» اصلی واقع در قریه سیوله بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رسول لک»

۷- تقاضای «منصور لک» فرزند «رسول» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۲۹۰٫۹۲» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۰۹» فرعی از «۵۲» اصلی واقع در قریه سیوله بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رسول لک»

۸- تقاضای «حسین فلاح» فرزند «محمد رضا» نسبت به «سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی»و «یاسر فلاح» فرزند «محمد رضا» نسبت به «سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۶۳۱٫۶۵» مترمربع تحت پلاک شماره «۲۷۳» فرعی از «۲۴» اصلی واقع در قریه دولت اباد بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد رضا فلاح»

۹- تقاضای «حسین فلاح» فرزند «محمد رضا» نسبت به «سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» و «یاسر فلاح» فرزند «محمد رضا» نسبت به «سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۹۷۱۸۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۲۷۸» فرعی از «۲۴» اصلی واقع در قریه دولت اباد بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد رضا فلاح»

۱۰- تقاضای «حسین فلاح» فرزند «محمد رضا» نسبت به «سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی»و «یاسر فلاح» فرزند «محمد رضا» نسبت به «سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۲۳۴۸٫۴۵» مترمربع تحت پلاک شماره «۲۷۷» فرعی از «۲۴» اصلی واقع در قریه دولت اباد بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد ضا فلاح»

شناسه : ۲۲۲۲۱۸۹

سیدرضا بطحائی

رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ازنا ۲۵۲۹